

انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ ترکیه: ابعاد و پیامدها

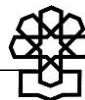
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۴۳۰۳
خردادماه ۱۳۹۴

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|---------|-------------------------------------|
| ۱..... | چکیده..... |
| ۲..... | مقدمه..... |
| ۳..... | پیامدهای سیاست داخلی..... |
| ۹..... | ریشه‌ها و پیامدهای سیاست خارجی..... |
| ۱۶..... | جمع‌بندی..... |
| ۱۷..... | منابع و مأخذ..... |



انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ ترکیه: ابعاد و پیامدها

چکیده

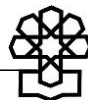
انتخابات پارلمانی ترکیه در هفدهم خردادماه برگزار شد و با پیروزی تلخ حزب عدالت و توسعه پایان یافت؛ چراکه این حزب دیگر نمی‌تواند به‌تنهایی دولت تشکیل دهد. ازسوی دیگر، حزب دمکراتیک خلق‌ها که نماینده کردها به شمار می‌رود، موفق شد با کسب ۱۲ درصد آرا کردها را به‌عنوان یک تشکل سیاسی مستقل در پارلمان جدید جای دهد. در این میان، آنچه اهمیت دارد پیامدهای این تحول در هر دو عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی ترکیه است؛ چراکه این انتخابات به نوعی نخستین نقطه عطف در حیات سیاسی ترکیه از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ بوده است. در این نوشتار، در قسمت نخست «شکسته شدن ابهت سیاسی حزب عدالت و توسعه در جامعه ترکیه؛ مختل شدن برنامه‌های سیاسی کلان این حزب برای دورنمای سیاسی این کشور؛ پویا شدن نظام چندحزبی در ترکیه و افزایش خودباوری اقلیت کردی در جهت‌دهی به عرصه سیاست در ترکیه» به‌عنوان پیامدهای داخلی انتخابات اخیر ترکیه مطرح می‌شوند. در قسمت دوم، در ابتدا مبنای سیاست خارجی ترکیه به‌عنوان یک دولت در نظام بین‌الملل به‌طور عام و اصول سیاست خارجی ترکیه در طی ۱۳ سال اخیر در دوران قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه به‌طور مختصر تشریح می‌شود. در وهله آخر، پیامدهای انتخابات اخیر برای سیاست خارجی ترکیه مورد بحث قرار

خواهد گرفت که برجسته‌تر شدن ملاحظات قومی در سیاست خارجی این کشور و کاهش احتمالی درگیری در منازعات و بحران‌های خاورمیانه و نیز تضعیف محور منطقه‌ای ضد مقاومت از جمله مهمترین آنها خواهد بود. در قسمت جمع‌بندی، پیشنهادهاتی برای سیاستگذاری خارجی ایران ارائه می‌گردد.

مقدمه

انتخابات پارلمانی ترکیه در هفدهم خردادماه برگزار شد و همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد با پیروزی حزب عدالت و توسعه، که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور کنونی ترکیه و احمد داوود اوغلو نخست‌وزیر نقش راهبر را در پیشبرد برنامه‌های کلان آن ایفا کرده‌اند، پایان یافت؛ اما برخلاف انتظار اکثر کارشناسان ترکیه‌پژوه و نیز برخلاف پیروزی‌های این حزب در سایر عرصه‌های انتخاباتی ترکیه، این پیروزی به‌گونه‌ای رقم خورد که حالا دیگر نمی‌تواند به‌تنهایی دولت تشکیل دهد، چراکه در مجموع کمتر از پنجاه درصد کرسی‌های پارلمان را به دست آورده است. حزب عدالت و توسعه با ۲۵۸ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمانی (یعنی در حدود ۴۱ درصد کرسی‌های پارلمان) در صدر قرار گرفت. حزب جمهوریخواه خلق با ۱۳۲ کرسی (۲۵/۱۰ درصد) در رتبه دوم، حزب جنبش ملی با ۸۱ کرسی (۱۶/۴۰) در رتبه سوم و حزب دمکراتیک خلق‌ها با ۷۹ کرسی (۱۲ درصد) در رتبه چهارم قرار گرفتند و بدین‌سان، براساس قانون انتخابات ترکیه فقط همین چهار حزب توانستند به پارلمان جدید ترکیه راه یابند.

تحول دیگر در روند انتخاباتی ترکیه این بوده است که حزب دمکراتیک خلق‌ها که نماینده کُردها به‌شمار می‌رود، موفق شد با کسب ۱۲ درصد آرا کُردها را به‌عنوان یک



تشکل سیاسی مستقل در پارلمان جدید جای دهد.

در این میان، آنچه اهمیت دارد ریشه‌ها و پیامدهای این تحول در هر دو عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی ترکیه است؛ چراکه این انتخابات به نوعی نخستین نقطه عطف در حیات سیاسی ترکیه در سده بیستم از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳ بوده است. در ادامه این نوشتار، ابتدا ریشه‌ها و پیامدها و سپس فرصت‌ها و چالش‌های این رویداد برای ایران بررسی می‌شود.

پیامدهای سیاست داخلی

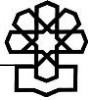
– شکسته شدن اِبهت سیاسی حزب عدالت و توسعه در جامعه ترکیه

مواضع و نطق‌های رهبران حزب عدالت و توسعه به‌ویژه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور کنونی ترکیه و احمد داوود اوغلو نخست‌وزیر در مورد جایگاه حزب در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ترکیه به‌گونه‌ای بود که خود را نماد و الگوی سیاست‌ورزی و سیاستمداری در ترکیه معرفی می‌کردند و به‌طور مداوم و مکرر با برجسته‌سازی کارنامه خود در کاهش معضلات اجتماعی، تقویت جامعه مدنی و پیشبرد توسعه اقتصادی و ارتقای رفاه عمومی، موفقیت کلی ترکیه را فقط و فقط ناشی از نبوغ ابتکارات حزبی جلوه می‌دادند به‌گونه‌ای که غروری کاذب در رفتارها و برنامه‌های کلان رهبران حزب و نگرش آنها به احزاب مخالف موج می‌زد. درست است که موفقیت‌های رهبران حزب در عرصه حکمرانی به بهبود وضعیت عمومی مردم ترکیه انجامید و از این‌رو، مردم ترکیه به‌ویژه در یک دهه اخیر اقبال زیادی به آنها نشان دادند ولی غرور

آنها در ابتدا مانع گسترش پایگاه اجتماعی حزب گردید و سپس به ریزش آرای این حزب در انتخابات اخیر انجامید. از همین رو در حال حاضر مشاهده می‌کنیم که ابهت این حزب در جامعه ترکیه فروریخته است. حالا دیگر رهبران احزاب مخالف به راحتی اتهامات فساد اقتصادی و سیاسی را بر عناصر اصلی حزب عدالت و توسعه وارد می‌کنند و این حزب از ترس ریزش آرای بیشتر از برگزاری انتخابات زودهنگام هیچ سخنی به میان نمی‌آورد. در این میان به نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه حتی با تشکیل دولت ائتلافی، جایگاه خود را بیش از پیش شکننده‌تر خواهد یافت.

– مختل شدن برنامه‌های سیاسی کلان حزب عدالت و توسعه برای دورنمای سیاسی این کشور

اهداف سیاسی حزب در تغییر صورت‌بندی سیاسی ترکیه در طی یک دهه اخیر ماهیتی بلندپروازانه، فزاینده و پیش‌رونده داشته است؛ برخلاف روال متعارف در تمامی دموکراسی‌های رایج در جهان، احزاب معمولاً به دنبال سهمین شدن در قدرت و در حدِ اعلامی آن، به دست گرفتنِ کلِ قدرت دولت (به بیان دقیق‌تر قوه اجرایی) هستند. اما برنامه‌های این حزب نشان می‌دهد که رهبران آن تلاش می‌کرده‌اند کل مقدرات این کشور در تمامی ابعاد آن را به دست گیرند و نوعی استبداد حزبی را در پوششی دموکراتیک بر نظام سیاسی آن تحمیل کنند. مهمترین برنامه کلان حزب، که در راستای تحکیم جایگاه خود در عرصه سیاسی این کشور بود، تغییر قانون اساسی ترکیه با محوریت تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی، بود که این انتخابات عملاً بر آن خط بطلان کشید. در صورتی که حزب عدالت و توسعه ۳۶۷ کرسی (بیش از دوسوم کرسی‌های پارلمان) را کسب می‌کرد می‌توانست



تغییرات مورد نظر خود را به سرانجام برساند. بدین معنا که می‌توانست به تنهایی و به‌طور مستقیم قانون اساسی ترکیه را تغییر دهد در صورتی که حزب عدالت و توسعه به ۳۳۰ کرسی (بیش از سه‌پنجم کرسی‌های پارلمان) دست می‌یافت می‌توانست با درخواست برگزاری همه‌پرسی به‌گونه‌ای در قانون اساسی بازنگری کند که بر قدرت رئیس‌جمهور بیفزاید و تداوم و تثبیت سیطره حزب در حیات سیاسی ترکیه را حداقل تا میان مدت تضمین نماید. این در حالی است که به‌نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه به هیچ‌وجه سناریوی کنونی را در نظر نگرفته بود، سناریویی که براساس آن مجبور است از بخش اعظم برنامه‌های درجه دوم خود نیز برای تشکیل کابینه ائتلافی عقب‌نشینی کند.

– پویا شدن نظام چندحزبی در ترکیه

نتیجه این انتخابات، هرچند تغییری اساسی در رده‌بندی نیروهای سیاسی ترکیه ایجاد نکرد، تقویت پویایی حزبی در حیات سیاسی ترکیه را نوید می‌دهد و رفته‌رفته از یکنواختی روند سیاسی در این کشور که کم‌وبیش در طی یک دهه اخیر با سیطره دولت تک‌حزبی حکمفرما بوده است جلوگیری می‌کند. پارلمان جدید ترکیه برخلاف پارلمان قبل نه با سه حزب بلکه با چهار حزب تشکیل خواهد شد، چراکه حزب دمکراتیک خلق‌ها به رهبری صلاح‌الدین دمیرتاش و خانم فیگن یوکسک داق با کسب حداقل ۱۰ درصد از کرسی‌های پارلمان یعنی ۷۸ کرسی به پارلمان راه یافته است و در کنار حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری نخست‌وزیر فعلی احمد داوود اوغلو، حزب جمهوری خلق به رهبری کمال قلیچدار اوغلو، و حزب حرکت ملی به رهبری دکتر دولت باغچالی حضور خواهد داشت.

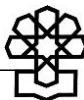
- افزایش خودباوری اقلیت کردی در جهت‌دهی به عرصه سیاست در ترکیه

همان‌گونه که اشاره شد، حزب دمکراتیک خلق‌ها به رهبری صلاح‌الدین دمیرتاش و خانم فیگن یوکسک داق سرانجام با کسب حدنصاب قانونی به پارلمان راه یافتند. کرسی‌های این حزب در مناطقی به دست آمد که پیش از آن پایگاه حزب عدالت و توسعه به شمار می‌آمدند. البته باید خاطرنشان ساخت که اقلیت کردی در جامعه ترکیه از دو جهت اقلیت محسوب می‌شوند: نخست اینکه، کردها اقلیت قومی هستند بدین معنا که از حیث زبان، فرهنگ و نژاد از ریشه با جامعه غالب ترک متمایز می‌باشند. دوم آنکه، درست است که کردها عموماً مسلمانند ولی بیش از نیمی از علویان ترکیه را کردهای این کشور تشکیل می‌دهند و این ویژگی نیز به‌نوبه خود آنها از ترک‌های عمدتاً سنی حنفی مذهب متمایز می‌سازد. از این‌رو، حکومت مطلوب در ترکیه از نگاه کردهای این کشور حکومتی است که سه ویژگی داشته باشد:

نخست آنکه، اسلامگرا نباشد؛ چراکه اسلامگرایی متضمن اصلت دادن به مذهب حنفی است که اختلافات شدیدی با مذهب علوی دارد.

دوم آنکه، گرایش‌های شدید ملی‌گرایانه نداشته باشد؛ چراکه تشدید ملی‌گرایی در حکومتداری لاجرم به محدودسازی بیشتر اقلیت غیرترک‌زبان کرد می‌انجامد.

سوم آنکه، از رویه‌های تمرکزگرایانه دوری گزینند، بدین معنا که به دنبال تمرکزگرایی اداری و سیاسی نباشد. تمرکزگرایی از اختیارات واحدهای فروملی که در ترکیه استان نامیده می‌شود می‌کاهد. نواحی کردنشین ترکیه مشتمل بر ۲۱ استان است که در چارچوب حقوق اساسی و اداری ترکیه، به مانند سایر استان‌های این کشور، اداره می‌شوند.



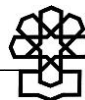
در این چارچوب، به نظر می‌رسد مواضع و رویه‌های حزب عدالت و توسعه در طی سال‌های اخیر مغایر با روندهای مطلوب کردها در سه بُعد فوق بوده‌اند؛ چراکه رهبران حزب عدالت و توسعه با موفقیت‌های نسبی خود در عرصه‌های اقتصادی احساس کرده‌اند که جایگاه آنها در سطح بین‌المللی ارتقا یافته است و این وضعیت نیز مرهون هویت، فرهنگ و تمدن ترکی در آسیای صغیر است. از این رو، در سال‌های اخیر به موضع‌گیری‌ها و رفتارهای پان‌ترکیستی روی آوردند. برای مثال، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه مدعی شد «در دنیا و به‌ویژه در اروپا، وقتی نام مسلمان به میان می‌آید، مردم این سرزمین (ترکیه) به خاطر آورده می‌شوند. کلمه ترک در کشور ما تنها به معنای قومی آن استفاده می‌شود. از دید غرب، در طول تاریخ، هر مسلمانی ترک بوده است». به‌عنوان مثالی دیگر، اردوغان در جریان استقبال رسمی از محمود عباس، رئیس‌تشیلات خودگران فلسطین، بر تن ۱۶ نفر از سربازان گارد تشریفات خود، لباس سربازان امپراتوری‌هایی را پوشانید که مدعی است ترک‌تبار بوده‌اند و از ریشه تاریخی دولت کنونی ترکیه حکایت دارند.

از سوی دیگر، هرچند رهبران حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه با اعطای آزادی عمل به علویان برای انجام مناسک خود، آرای کردهای علوی را به سمت خود جلب کردند ولی رویه‌های آنها به‌ویژه در طی چهار سال اخیر کردهای علوی مذهب را سرخورده و از آنها روی‌گردان ساخت. سیاست‌های اردوغان و داوود اوغلو در قبال کردهای علوی سوریه و حمایت‌های آشکار و نهان آنها از گروه‌های سلفی و تکفیری تروریست موجی از نگرانی را در میان کردهای ترکیه در مورد آینده مواضع حزب عدالت و توسعه در قبال اقلیت کرد در این کشور برانگیخت به‌گونه‌ای که این نگرانی در آرای

این اقلیت در انتخابات پارلمانی اخیر تجلی پیدا کرد.

دست آخر اینکه، تلاش حزب عدالت و توسعه برای تغییر قانون اساسی این کشور برپایه تبدیل نظام پارلمانی به ریاستی نیز به مذاق کردهای ترکیه خوش نیامده است چراکه با گسترش اختیارات رئیس‌جمهور، نقش‌آفرینی کردها در عرصه سیاسی ترکیه که در سهیم شدن در کابینه برآمده از پارلمان تبلور یافته است به شدت کاهش می‌یابد. از این‌رو، کردها به هیچ‌وجه با این طرح حزب عدالت و توسعه موافق نبودند و در همین رابطه تمام تلاش خود را در قالب رأی دادن به حزب طرفدار کردها به کار بستند تا این طرح در کابینه بعدی عملیاتی نشود.

با این اوصاف، به نظر می‌رسد اقلیت کرد با عملکرد خود در این انتخابات دریافته است که می‌تواند به قدری نقش‌آفرین باشد که نه تنها رفتار کابینه‌های به قدرت رسیده در ترکیه را تعیین کند، بلکه از این پتانسیل نیز برخوردار است که می‌تواند با وزنه سنگینی که در پویش سیاسی ترکیه به دست آورده است در ترکیب‌بندی خود کابینه‌ها نقش‌آفرین باشد. از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود که کردها به‌عنوان اقلیتی که در قالب یک حزب پارلمانی انسجام سیاسی یافته‌اند نقش پررنگ‌تری را در شکل‌دهی به تحولات سیاسی ترکیه ایفا کنند و خواهان سهم عینی در ساختار قدرت ترکیه باشند. در این راستا، کردها نقش چشمگیری در تعدیل مواضع تندروانه مذهبی، نژادی و سیاسی اردوغان و داوود اوغلو خواهند داشت چراکه آنها در قیاس با دو حزب دیگر مخالف، بیشتر مورد اقبال حزب عدالت و توسعه برای تشکیل کابینه ائتلافی هستند و همین امر قدرت چانه‌زنی آنها برای مهار قدرت‌طلبی ظاهراً لگام‌گسیخته این حزب را افزایش خواهد داد.



ریشه‌ها و پیامدهای سیاست خارجی

در بررسی ریشه‌ها و پیامدهای نتیجه انتخابات پارلمانی اخیر ترکیه در عرصه سیاست خارجی این کشور، در ابتدا ضروری است مبنای سیاست خارجی ترکیه به‌عنوان یک دولت در نظام بین‌الملل به‌طور عام و اصول سیاست خارجی ترکیه در طی ۱۳ سال اخیر در دوران قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه به‌طور مختصر تشریح شود تا بتوان این موضوع را در پرتو آنها مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به این ملاحظات، در قسمت سوم، علت‌ها و الزامات رفتار رأی‌دهندگان ترکیه در انتخابات اخیر در حوزه سیاست خارجی این کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) مبانی سیاست خارجی ترکیه

سیاست خارجی هر کشوری، دارای منطقی است که از ابتدای شکل‌گیری آن کشور به‌عنوان دولت-ملت در جهان مدرن، تمامی مقدرات آن را در عرصه سیاست خارجی شکل می‌دهد و به زیربنای رفتارها و رویه‌هایی که سیاستگذاران خارجی آن کشور پیش می‌برند، تبدیل می‌گردد. این منطق یا مبانی به بخشی ناگسستنی از هویت دولت-ملت مبدل می‌شوند. سیاست خارجی ترکیه نیز از این امر مستثنا نیست؛ چند مبنا بر سیاست خارجی ترکیه حاکم است که با گذشت زمان، تقریباً تغییرناپذیر مانده است؛ این مبانی عبارتند از:

۱. اصل عملگرایی و انطباق‌پذیری با شرایط پیرامونی: در فرهنگ ترک‌های

آناتولی، عقلانیت با عنصر مصلحت درآمیخته است. ترک‌ها همواره الزامات مصلحت را در

سیاستگذاری‌های خود در نظر می‌گیرند و از این‌رو، عملگرایی نیز به عرصه سیاست خارجی آنها سرایت کرده است.

۲. پایبندی به میراث آتاتورک: میراث آتاتورک در طول حیات ترکیه به‌عنوان

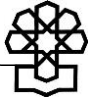
یکی از اصول سیاست خارجی این کشور درآمده است. آتاتورک درصدد برآمد با تأسیس یک دولت - ملت، با مدلی اروپایی، تمدن غربی را در ترکیه نهادینه سازد و سیاست‌هایی را به‌کار گرفت که ترکیه را هر چه بیشتر به غرب و اروپا نزدیک‌تر می‌ساخت. عملیاتی شدن میراث آتاتورک در زمان حکومت وی تحکیم آن به‌وسیله اخلاش، سیاست خارجی ترکیه را در فراز و نشیب‌های تاریخ دیپلماسی معاصر، متمایز از سایر کشورهای منطقه خاورمیانه ساخت و خصوصیات ویژه‌ای بدان بخشید.

۳. بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیک: سومین و چه‌بسا مهم‌ترین اصل در

سیاست خارجی ترکیه، موقعیت ژئوپلیتیکی بسیار بی‌همتای این کشور می‌باشد. این موقعیت به «برگ برنده»های سیاست خارجی ترکیه در عرصه‌های سیاست‌های دفاعی، اتحادها و ائتلاف‌ها، روابط با سازمان‌های بین‌المللی و حل‌وفصل منازعات بین‌المللی شکل داده است. در این چارچوب، موقعیت استراتژیک ترکیه به‌ویژه بعد از جنگ عراق (۲۰۰۳) باعث گردیده است که ترکیه در تمامی منازعات خاورمیانه از جمله تحولات عراق و سوریه درگیر شود هرچند در بسیاری از این درگیری‌ها دچار خطای راهبردی شده است.

۴. اقتصادمحوری: ملاحظات اقتصادی در تاریخ سیاست خارجی ترکیه، تأثیر قابل

ملاحظه‌ای داشته‌اند. اقتصادمحوری را می‌توان در ارتباط کامل با عملگرایی مورد ارزیابی قرار داد، چرا که عملگرایی و اقتصادمحوری در سیاست خارجی ترکیه، عناصر درهم تنیده‌ای

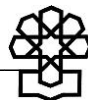


هستند. با آغاز هزاره جدید، تأثیر ملاحظات اقتصادی بر سیاست خارجی ترکیه بیش از پیش آشکار گردیده است. این وضعیت سبب گردیده است تحلیلگران به این نتیجه برسند که ملاحظات اقتصادی حلقه پیونددهنده «بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیک» و «عملگرایی و انطباق‌پذیری با محیط پیرامون» باشد. بررسی سیاستگذاری‌های منطقه‌ای و جهانی ترکیه در حال حاضر نشان می‌دهد که انگیزه‌های اقتصادی در زمره مؤلفه‌های اساسی در موضع‌گیری‌های ترکیه قرار دارند. در حال حاضر، تلاش ترکیه برای مداخله‌ها و تعرض‌های مکرر ترکیه به شمال عراق و مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم در بحران سوریه از جهاتی برخاسته از انگیزه‌های اقتصادی تفسیر می‌شود.

ب) سیاست خارجی ترکیه در دوران حکمرانی حزب عدالت و توسعه

دولتمردان اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی دکتترین عمق استراتژیک تدوین و در طی حکمرانی تک‌حزبی خود در ترکیه در طی ۱۳ سال اخیر برمبنای آن عمل کردند. این دکتترین به نحو متوازی مبانی سیاست خارجی ترکیه را به کار بست و به هم پیوند داد. این دکتترین معتقد است که ترکیه در بین چند «حوزه جغرافیای فرهنگی» واقع شده است. این حوزه‌ها عبارتند از: خاورمیانه و جهان اسلام، غرب (اروپا و آمریکا) و آسیای میانه. براساس این دکتترین، ترکیه تنها در صورتی می‌تواند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نقش ایفا کند که با همه این حوزه‌ها و در نتیجه با همه همسایگان خود مناسبات حسنه‌ای برقرار نماید. برپایه همین دکتترین، حزب عدالت و توسعه پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲، اعلام کرد که سیاست‌های ذیل را در عرصه روابط خارجی ترکیه دنبال خواهد نمود:

۱. ترکیه عامل تعیین‌کننده‌ای در حفظ ثبات در منطقه است، چراکه از قابلیت‌های اقتصادی و هنجارهای دموکراسی و احترام به حقوق بشر برخوردار می‌باشد. با توجه به این ویژگی‌ها، دولت ترکیه در هنگام بروز بحران در مناطق پیرامون خود، ابتکار عمل بیشتری به دست خواهد گرفت و خواهد کوشید نقش ملموس‌تری در حل بحران‌ها ایفا نماید.
۲. محیط امنیتی منطقه نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. به همین دلیل، ترکیه تلاش‌های بیشتری برای تأمین امنیت و ثبات در مناطق اطراف خود انجام خواهد داد و تلاش‌های خود را برای حفظ روابط حسنه با همسایگانش برپایه گفتگو افزایش خواهد داد و در این راستا سهم بیشتری در توسعه همکاری منطقه‌ای خواهد داشت.
۳. ترکیه هم به‌لحاظ تاریخی و هم به‌لحاظ جغرافیایی، رابطه تنگاتنگ و نزدیکی با اروپا دارد. به همین دلیل، روابط با کشورهای اروپایی همچنان در صدر فهرست دستور کار سیاست خارجی ترکیه خواهد بود.
۴. همکاری‌های اقتصادی و سیاسی که مدت‌هاست میان ترکیه و کشورهای دوست و متحد وجود دارد حفظ خواهد شد و این همکاری‌ها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، علمی، سرمایه‌گذاری، تجاری و فناوری تشدید خواهد شد.
۵. همکاری با ایالات متحده آمریکا که جنبه دفاعی داشته است، حفظ خواهد شد و این همکاری به حوزه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری، علمی و فناوری نیز گسترش خواهد یافت.
۶. با توجه به حضور جمعیت ترک در قبرس، هویت و حق تعیین سرنوشت مردم ترک در این جزیره، انکارناشدنی است. حل‌وفصل مسئله قبرس باید برپایه توافقی میان دو دولت موجود در این جزیره باشد. از این‌رو، پیوستن قسمت ترک‌نشین قبرس به



اتحادیه اروپایی قبل از حل و فصل این مسئله، مشکل قبرس را پیچیده‌تر می‌سازد.

۷. ترکیه با آگاهی از پیوندهای نزدیک فرهنگی و تاریخی با منطقه خاورمیانه، تنها راه توقف فوری خونریزی و کشمکش‌ها در خاورمیانه را برقراری صلح پایدار می‌داند و به حمایت از تلاش‌ها در زمینه نیل به صلح ادامه خواهد داد.

۸. حزب عدالت و توسعه اهمیت خاصی برای روابط ترکیه با کشورهای اسلامی قائل است. بر این اساس تلاش‌ها در زمینه همکاری دوجانبه و چندجانبه را در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و ارتقای جایگاه کشورهای اسلامی و این سازمان در عرصه بین‌المللی افزایش خواهد داد.

ج) انحراف از دکترین عمق استراتژیک و رفتار رأی‌دهندگان ترکیه

با وقوع بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۰ و نیز تحولات سیاسی در عراق و سوریه ترکیه عملاً رفته‌رفته از دکترین سیاست خارجی خود عدول کرد و سیاست متفاوتی را در قبال تحولات خاورمیانه به‌ویژه در قبال بحران‌های داخلی عراق و سوریه در پیش گرفت. دکترین عمق استراتژیک که هدف «معضل صفر» را با همسایگان دنبال می‌کرد با ناآرامی‌های داخلی در این دو کشور به بوته فراموشی سپرده شد و دولتمردان حزب عدالت و توسعه به‌گونه‌ای موضع‌گیری و رفتار کردند که معضلات ترکیه با این دو کشور را نه تنها به صفر نرساندند، بلکه ترکیه را در وضعیت به شدت خصومت‌بار با آنها قرار دادند و در نتیجه مشکلات آنها را در خاورمیانه به اوج خود رساندند. مواضع و سیاست‌های رهبران این کشور در قبال این تحولات هم روابط این کشور با همسایه مهمش یعنی ایران را دچار اختلال ساخت و هم نارضایتی‌های عمومی در درون این

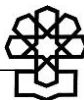
کشور را دامن زد، به گونه‌ای که بسیاری از تحلیلگران نتیجه انتخابات در این کشور را تا حد زیادی ناشی از اقدامات و سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در قبال تحولات عراق و سوریه می‌دانند. دلایلی که می‌توان برای کاهش آرای حزب عدالت و توسعه در میان مردم ترکیه به طور عام و مناطق کردنشین و همجوار ترکیه با عراق و سوریه برشمرد به شرح ذیل می‌باشند:

۱. دولتمردان حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی خود در قبال تحولات عراق و سوریه به علقه‌های قومی و مذهبی مناطق کردنشین و علوی مذهب با علویان و کردهای این دو کشور توجه نکردند. برای مثال، در بحران کوبانی، سیاستی را اتخاذ کردند که به قتل عام ساکنان کرد آن انجامید.

۲. دولتمردان حزب عدالت و توسعه درست برخلاف شعارهای خود در زمینه میان‌روی در اسلام‌گرایی، عملاً از گروه‌های تکفیری و افراطی حمایت کردند و از طریق تسهیل ورود آنها به عراق و در ادامه ارائه کمک‌های آموزشی و ادوات جنگی به آنها عملاً به اوج‌گیری اقدامات تروریستی آنها کمک کردند و زمینه تشدید ناامنی، بی‌ثباتی و جنگ داخلی در عراق و سوریه را فراهم آوردند.

۳. بیش‌فعالی دیپلماتیک دولتمردان حزب عدالت و توسعه در تحولات منطقه‌ای از لیبی، تونس، مصر گرفته تا عراق و سوریه و یمن این ذهنیت را در میان جامعه ترکیه ایجاد کرد که بلندپروازی‌های دیپلماتیک و بین‌المللی آنها که در قالب مداخله‌گری و گسترش نفوذ منطقه‌ای نمود یافته بود می‌تواند به‌عنوان مکمل اقتدارگرایی در عرصه سیاست داخلی باشد.

بر همین اساس، به‌نظر می‌رسد نتیجه انتخابات ترکیه انعکاس نوعی مطالبه برای



متعادل سازی و نه تغییر سیاست خارجی ترکیه نیز به شمار می آید. تناقض های سیاست خارجی ترکیه و مغایرت رفتارهای بین المللی حزب عدالت و توسعه با برنامه حزبی کلان آن در حوزه سیاست خارجی سرانجام تأثیرات خود را در عرصه انتخاباتی منعکس ساخت و این امر نیز به نوبه خود پیامدهایی را برای دورنمای سیاست خارجی این کشور، به ویژه در رابطه با تحولات منطقه ای برجای خواهد نهاد. این پیامدها می تواند شامل موارد ذیل باشد:

- برجسته تر شدن ملاحظات قومی در سیاست خارجی ترکیه: با نقش آفرینی

قابل ملاحظه کردها در این انتخابات، طبعاً مسائل قومی و به ویژه مسئله کردی در سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذارتر خواهد شد و فشار ناشی از سیاست های ترکیه بر دولت های عراق و سوریه نیز کاهش خواهد یافت.

- تعدیل پشتیبانی ها از گروه های تروریستی تکفیری و افراطی در سیاست

خارجی ترکیه: نتیجه انتخابات ترکیه نشان می دهد که پشتیبانی ها از گروه های تروریست تکفیری و افراطی در مغایرت کامل با مبانی سیاست خارجی دولت مدرن ترکیه و دکتترین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در این کشور بوده است. این رویکرد نه تنها تنش های ترکیه با همسایگانش را به صفر نرسانید، بلکه آن را تشدید کرد و برخی تحلیلگران پیش بینی می کنند که عناصری از این گروه ها به جذب افراد در جامعه ترکیه مبادرت ورزند. در این چارچوب، هر دولتی که پس از این انتخابات در ترکیه روی کار آید، پشتیبانی ها از گروه های تروریست تکفیری و افراطی اسلامگرا را تعدیل خواهد کرد.

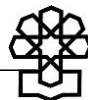
- کاهش درگیری در منازعات و بحران های خاورمیانه در سیاست خارجی

ترکیه: با توجه به اینکه بستن مرزها با سوریه و توقف حمایت از گروه‌های تروریستی و بازگرداندن آوارگان سوری به اراضی خود در صدر برنامه‌های انتخاباتی احزاب سیاسی مخالف حزب عدالت و توسعه از کردها گرفته تا گروه‌های دیگر قرار داشت به نظر می‌رسد دولت آینده ترکیه در این حوزه برای کاستن از درگیری خود در عراق و سوریه بسیار تحت فشار قرار خواهد گرفت.

- تضعیف محور منطقه‌ای ضدمقاومت: در این میان به نظر می‌رسد ائتلاف سه‌جانبه قطر - ترکیه - عربستان به شدت متزلزل گردد و در مقابل، موضع ایران در تحولات سوریه و عراق تقویت شود. هرچند احتمال دارد که نقش عربستان سعودی در شکل‌دهی یکجانبه به صورت‌بندی گروه‌های تروریستی فعال در منطقه افزایش یابد.

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد هر دولتی که پس از این انتخابات در ترکیه روی کار آید، نسبت به گذشته امکان کمتری دارد که این کشور را در دام ماجراجویی‌های منطقه‌ای بیاندازد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که تمامی دولت‌های منطقه اعم از رقبای و متحدان ترکیه به‌ویژه عربستان سعودی و ایران از وضعیتی که ترکیه پس از انتخاب خواهد داشت خرسند خواهند بود؛ چراکه در نتیجه این انتخابات قدرت مانور ترکیه در منطقه خاورمیانه کاهش خواهد یافت. در این راستا، با توجه به تأثیرپذیری‌های منفی اقتصاد ترکیه از تحولات داخلی اخیر خود، پیش‌بینی می‌شود آنکارا دوران جدیدی از اولویت دادن به ساماندهی و تحکیم وضعیت اقتصادی و کاهش درگیری در منازعات و بحران‌های خاورمیانه را تجربه خواهد کرد. این امر به‌نوبه خود فضای عمل جمهوری



اسلامی ایران را افزایش خواهد داد. در این راستا، این موارد به دستگاه دیپلماسی کشور توصیه می‌شود:

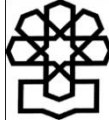
۱. پرهیز از مواضع تحریک‌آمیز در قبال تحولات داخلی ترکیه و تأکید بر ثبات و دموکراسی در ترکیه.

۲. از نتیجه انتخابات و هر دولتی که از دل آن بیرون آمد استقبال شود.

۳. در موضع‌گیری‌ها به‌طور مداوم بر لزوم گسترش روابط اقتصادی تأکید گردد.

منابع و مأخذ

1. Steven A. Cook and Robert McMahon, "Media Call: Turkey's General Election", Council for Foreign Relations, in <http://www.cfr.org/turkey/media-call-turkeys-general-election/p36618>.
2. New CFR InfoGuide Explores Emergence of the Kurds, Council for Foreign Relations, in <http://www.cfr.org/middle-east-and-north-africa/new-cfr-infoguide-explores-emergence-kurds/p36600>.
3. "Turkey Military, Kurdish Clashes Test Peace Process", AFP, 26 March 2015.
4. "Turkish Electoral Outcome Hinges on Pro-kurdish Party", Deutsche Welle, 23 May, 2015.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۳۰۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ ترکیه: ابعاد و پیامدها

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: روح‌الله طالبی‌آرانی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. ترکیه

۲. انتخابات

۳. اردوغان

۴. خاورمیانه



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۳/۳۰